

بررسی ساختار سیاسی - اجتماعی جامعه شهر سوخته در هزاره سوم پیش از میلاد

کامیار عبدی^۱، شادی گنجی^۲

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱/۲۶، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۰۳/۰۴)

چکیده

بررسی ساختار سیاسی - اجتماعی جوامع در دوره آغاز شهرنشینی یکی از موضوعاتی است که در دهه‌های اخیر ذهن باستان‌شناسان را به خود مشغول کرده است. بررسی این موضوع با رویکردهای گوناگون منجر به استفاده از روش‌ها، تقسیم‌بندی‌ها و اصطلاحات متفاوت شده که در ده‌ها مقاله و کتاب مطرح و به بحث گذاشته شده‌اند. توجه به سازوکارهای حکومتی، اقتصاد سیاسی و رابطه قدرت در چنین جوامعی مباحثی چون وظایف شخص/ اشخاص برتر، فرمانروا، گروه‌های اشرافی و رابطه‌شان با یکدیگر را پیش می‌کشد. از بطن چنین مباحثی است که موضوعاتی چون ماهیت و کارکرد سلسله مراتب عمودی و سلسله مراتب افقی در جامعه مطرح می‌شود. استفاده از رویکردهایی ایستا و تک‌راستا در بررسی جوامع پیچیده باعث شده برخی از پژوهشگران برای شناخت و معرفی ساختار سیاسی - اجتماعی این جوامع از الگوهای مشخص و از پیش تعریف شده استفاده کنند و تفاوت‌هایی را که می‌تواند بین آنها وجود داشته باشد نادیده بگیرند. شهر سوخته در هزاره سوم پ.م. یکی از جوامعی است که ساختار سیاسی -

۱. دانشیار پژوهشگاه علوم انسانی kamyar.abdi@gmail.com

۲. دانش آموخته دکتری باستان‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس ganji_shadi@yahoo.com

اجتماعی آن با ساختارهای از پیش تعریف شده برای جوامع پیچیده هم‌زمان همخوانی ندارد. بر همین اساس در این مقاله سعی نموده‌ایم با بررسی متغیرهایی چون معماری، تدفین، آلات و ادوات اداری و الگوی پراکندگی محوطه‌ها، با شناخت بخش‌های اثرپذیرتر از ساختار سیاسی- اجتماعی، تصویری را از رابطه قدرت و نحوه اداره این جوامع بازسازی کنیم.

کلیدواژگان: ساختار سیاسی- اجتماعی، شهر سوخته، هزاره سوم پ.م، سلسله مراتب عمودی/افقی

۱. مقدمه

امروزه بیشتر مردم در جوامعی زندگی می‌کنند که می‌توان آنها را جوامع پیچیده نامید. در چنین جوامعی تفاوت اقتصادی- اجتماعی افراد و گروه‌ها در جامعه منجر به تفاوت‌گذاری و رتبه‌بندی اجتماعی- سیاسی آنها می‌شود. اما زندگی در جوامع پیچیده نسبت به مدت زمان پیدایش نوع انسان قدمت زیادی ندارد و آغاز شکل‌گیری آن حداکثر به ۱۰ هزار سال پیش باز می‌گردد. تا پیش از شکل‌گیری این پیچیدگی‌ها، بیشتر افراد در سکونت‌گاه‌های غیردائمی زندگی می‌کردند، خانواده‌ها در اقتصاد معیشتی خودکفا و از لحاظ منزلت اجتماعی تقریباً برابر بودند. در عین حال جوامع انسانی از لحاظ اجتماعی- سیاسی مساوات‌گرا بودند و بیشتر بزرگسالان در اداره جامعه نقش داشتند. اینکه چرا، کی، کجا و چگونه جوامع پیچیده شکل گرفتند و در زمانی چنین اندک گسترش یافتند از موضوعات مورد توجه باستان‌شناسان است (فلانری^۱ و مارکوس^۲، ۲۰۱۳). هنوز باستان‌شناسان بر سر چرایی و چگونگی شکل‌گیری و افول این جوامع با هم به توافق نرسیده‌اند، اما در این موضوع با یکدیگر متفق‌القول هستند که این جوامع را نمی‌توان به شیوه جوامع ساده پیشین اداره کرد. ساختار سیاسی و نهاد تصمیم‌گیری این جوامع، همپا با دیگر ابعاد جامعه پیچیده می‌شود و تغییر می‌کند، در حالی که جوامع مسیر یکسانی را برای رسیدن به این پیچیدگی‌ها طی نمی‌کنند. در نتیجه پیچیدگی‌های حاصله نیز در الگوهای از پیش تعریف شده نمی‌گنجند.

1. Flannery

2. Marcus

پژوهش‌های باستان‌شناختی در زمینه ابعاد گوناگون جوامع هزاره سوم پ.م. نشان می‌دهد که تفاوت‌های بارزی در ساختار سیاسی - اجتماعی و سیستم تصمیم‌گیری این جوامع با جوامع معاصرشان وجود دارد که تصویر این جوامع را با ابهامات فراوانی مواجه می‌کند. در این مقاله سعی شده است با انتخاب رویکردی آمیزش‌گرایانه^۱ به بررسی مجموعه‌ای از متغیرها در جامعه شهر سوخته در جنوب شرقی ایران پردازیم تا رابطه قدرت و نحوه اداره این جامعه را بازشناسی و بازسازی کنیم.

۲. شرحی بر ساختار سیاسی- اجتماعی جوامع

پژوهشگران تطورگرا براساس پژوهش‌های باستان‌شناختی و قیاس‌های قوم‌شناختی خط سیر جوامع را از ساده‌ترین تا پیچیده‌ترین شکل آن بازسازی کرده‌اند. المان سرویس^۲، انسان‌شناس آمریکایی، بر همین اساس ساختار سیاسی جوامع انسانی را از ساده‌ترین تا پیچیده‌ترین شکل براساس رویکردی تک‌راستا، به چهار مرحله تقسیم کرد (سرویس، ۱۹۶۲) که با وجود انتقادهایی به آن (یوفی^۳، ۱۹۹۳) هنوز بسیاری از باستان‌شناسان از آن استفاده می‌کنند: گروه^۴، قبیله^۵، جامعه خان‌سالار^۶ و حکومت^۷.

«گروه» متشکل از خانواده گسترده است که به شکار حیوانات وحشی و گردآوری گیاهان خودرو می‌پردازد. افراد جوامع با این ساختار اجتماعی معمولاً براساس تغییرات فصلی در سکونت‌گاه‌های موقتی یا غارها زندگی می‌کنند (دمارایس^۸، ۲۰۰۵). در چنین جامعه‌ای هیچ کس ادعا ندارد که از سهم بیشتری از ثروت برخوردار است. ممکن است فرد کهنسالی که در جمع‌آوری خوراک مهارت دارد بیش از دیگران مورد احترام باشد، اما این فرد نمی‌تواند دیگر اعضای گروه را به کاری وادار کند. «قبیله» عنوانی است که به واحد اجتماعی بزرگتری در مقایسه

-
1. Eclectic
 2. Service
 3. Yoffee
 4. Band
 5. Tribe
 6. Chieftdom
 7. State
 8. Demarrais

با «گروه» اشاره دارد و شامل تعدادی خانواده است که از نظر خویشاوندی با یکدیگر مرتبط‌اند (دمارایس، ۲۰۰۵). قبیله‌ها عموماً رهبری غیررسمی دارند که انسان‌شناسان از اصطلاحی چون «مرد بزرگ»^۱ برای نامیدن این شخص استفاده می‌کنند. چنین شخصی مسئول برگزاری بزم‌ها، دفاع از قبیله یا دیگر فعالیت‌های گروهی است. تأثیر سیاسی چنین فردی به ابتکار عمل خود او باز می‌گردد، اما گاهی اختیارات او از یک روستا هم فراتر می‌رود (سالیلز^۲، ۱۹۶۳). مدتی بعد از به کارگیری اصطلاح «قبیله» بسیاری از تطورگرایان نارضایتی خود را از به کارگیری چنین اصطلاحی ابراز کردند و آن را گمراه‌کننده دانستند؛ چرا که این اصطلاح شکل‌های اجتماعی زیادی را شامل می‌شود. بعد از انتشار کتاب مفهوم قبیله در ۱۹۷۵ به قلم مورتن فرید^۳ (فرید، ۱۹۷۵)، استفاده گسترده از اصطلاح «قبیله» کم‌کم جای خود را به استفاده از عبارتی چون «جامعه خودگردان روستایی»^۴ داد (فلانری، ۱۳۸۰).

شکل بعدی جامعه «خان‌سالار» است که در حکم یک واحد اجتماعی-سیاسی ویژگی‌هایی چون کنترل منابع به دست خان، یکپارچگی چند سکونت‌گاه با قدرت مرکزی و جایگاه و مقام موروثی را برای آن برشمرده‌اند. سرویس از نقش دائمی خان در هماهنگ کردن فعالیت‌های جامعه یاد می‌کند، نقشی که تنها در ابعاد اقتصادی (مدیریت بازپخش کالا) متجلی نمی‌شود، بلکه تأثیر آن را می‌توان در ابعاد مذهبی، سیاسی و اجتماعی نیز مشاهده کرد (سرویس، ۱۹۶۲). در این جوامع سلسله مراتب اجتماعی بر دسترسی نابرابر به کالا و منابع تولید پایه‌گذاری شده است، اما ثروت شخصی مفهوم مشخصی ندارد؛ یعنی با وجود سلسله مراتب اجتماعی، رده‌های اقتصادی-اجتماعی وجود ندارد. جوامع خان‌سالار عموماً مساوات‌گرا نیستند و براساس تفاوت‌های موروثی طبقه‌بندی می‌شوند. این امر جایگاه بالاتر و پایین‌تر افراد و خانواده‌هایشان و تفاوت اجتماعی براساس جنس و سن را نیز به دنبال دارد (سرویس، ۱۹۶۲). با وجود همه انتقادهایی که درباره تقسیم بندی سرویس و مفهوم جامعه خان‌سالار وجود دارد، شاهد استقبال از به کارگیری این اصطلاح در پژوهش‌های باستان‌شناسی هستیم؛ هرچند نبود اجماع نظر در زمینه مفهوم جامعه خان‌سالار باعث ارائه گونه‌های مختلف از این واحد سیاسی شده است،

-
1. Big man
 2. Sahlins
 3. Fried
 4. Autonomous village society

نظیر جوامع خان سالار گروه محور و فرد محور (رنفرو^۱ و همکاران، ۱۹۷۴)؛ جوامع خان سالار بدون رتبه بندی، دارای رتبه بندی و جوامع خان سالار با خان ارشد^۲ (تیلور^۳، ۱۹۷۵)؛ خان سالارهای سنتی، باز و طبقه بندی شده (گلدمن^۴، ۱۹۷۰)؛ جوامع خان سالار ساده و پیچیده (استپونایتیس^۵، ۱۹۷۸) و جوامع خان سالار مبتنی بر همکاری گروهی و سازوکارهای شبکه ای (بلانتون^۶ و همکاران، ۱۹۹۶).

مرحله چهارم، به موضوع بحث ما یعنی جوامع حکومتی نزدیکتر است. البته این بدان معنا نیست که حکومت های آغازین چیزی شبیه حکومت های امروزی بوده اند. حکومت های آغازین جمعیت بیشتری را نسبت به جوامع قبلی در بر می گیرند، نهادهای شان رسمی ترند، ابزارهایی برای اجرای قوانین و جمع آوری و ثبت مالیات ها در اختیار دارند و فاصله بین طبقه ممتاز و مردم عادی جامعه بیشتر از جوامع خان سالار است (فلانری، ۱۹۹۸). تعریف حکومت بستگی نزدیک به این دارد که پژوهش گر چه مؤلفه هایی را در ایجاد پیچیدگی ها مدنظر قرار دهد. گروهی از پژوهشگران با تأکید بر زمان و نحوه شکل گیری به تعریف حکومت های اولیه و ثانویه می پردازند (پرایس^۷، ۱۹۷۸) و گروهی دیگر نحوه شکل گیری، سازوکارهای حکومتی و چگونگی فروپاشی شان را بررسی می کنند (تریگر^۸، ۲۰۰۳).

پژوهش حاضر به حکومت های باستان محدود است؛ حکومت هایی که در نوشته های باستان شناختی، تاریخی، فرهنگی و انسان شناختی با اصطلاحات دیگری چون حکومت های پیش صنعتی^۹ (مثلاً ر.ک. برنیک^{۱۰}، ۲۰۰۸: ۵۳۴)، حکومت های ابتدایی^{۱۱} (مثلاً ر.ک. سرویس، ۱۹۷۵)

-
1. Renfrew
 2. Paramount
 3. Taylor
 4. Goldman
 5. Steponaitis
 6. Blanton
 7. Price
 8. Trigger
 9. Preindustrial state
 10. Bernbeck
 11. Primitive states

یا حکومت‌های باستانی ساده^۱ (مثلاً ر.ک. کلاسن^۲ و اسکالنیک^۳، ۱۹۷۸) از آنها یاد می‌شود. اصطلاح حکومت^۴ را اول بار پژوهشگران علوم سیاسی و انسان‌شناسان به کار بردند. بعدتر باستان‌شناسان با پیدا کردن شاخص‌های باستان‌شناختی این واحد سیاسی از این اصطلاح در راستای پژوهش‌های خود استفاده کردند. هر چند باستان‌شناسان تعاریف مختلفی در زمینه حکومت‌ها ارائه داده‌اند، اما به طور کلی جامعه حکومتی را جامعه‌ای با تشکیلات متمرکز متشکل از نخبگان مذهبی و سیاسی می‌دانند که قدرت اقتصادی و سیاسی را در دست دارند و اقداماتی نظیر تدوین قوانین و اجرای آن‌ها، سربازگیری و اخذ مالیات در آنها بروز می‌کنند. با وجود این، در زمینه مفهوم و تشریح حکومت‌های باستان مشکلات زیادی وجود دارد و کسی نمی‌تواند ادعا کند پژوهشگرانی که پیچیدگی‌های اجتماعی- سیاسی را بررسی می‌کنند در مورد تعریف دقیق حکومت‌های باستان اتفاق نظر دارند. گروهی از پژوهشگران معتقدند حکومت‌ها به دلیل مسیرهای تطوری متفاوتی که پیموده‌اند، گونه‌های متفاوتی دارند که مثلاً حکومت‌های فردمحور^۵ (بلانتون، ۱۹۹۸: ۱۴۵)، حکومت‌های مشارکتی^۶ (بلانتون، ۱۹۹۸: ۱۴۷)، دولت‌شهرها^۷ (یوفی، ۱۹۷۷)، حکومت‌های چندپاره^۸ (ساوث‌هال^۹، ۱۹۹۱) و حکومت‌های قلمرویی^{۱۰} از آن جمله‌اند. برخی پژوهش‌گران از ایستا، محدود و یکنواخت بودن تقسیم‌بندی سرویس و مراحل آن انتقاد می‌کنند و اینکه هر مرحله نتیجه گریزناپذیر مرحله قبل است. با وجود این افرادی چون فلنری و مارکوس معتقدند که این انتقادات ریشه در فرضیات گیج‌کننده دارد. آنها معتقدند که نباید از این مراحل مثل دستورات کتاب آشپزی استفاده کرد و تنوعی را نادیده گرفت که در هر مرحله می‌تواند وجود داشته باشد (فلنری، ۱۹۹۵). سرانجام انتقادهای فراوان به تقسیم‌بندی سرویس پژوهشگران دیگر را به ارائه تقسیم‌بندی‌های جدید واداشت. نمونه این تقسیم‌بندی‌ها، تقسیم

-
1. Simple early states
 2. Claessen
 3. Skalnik
 4. State
 5. Person-centered state
 6. Corporate state
 7. City state
 8. Segmentary state
 9. Southhall
 10. Territorial state

بندی سه مرحله‌ای فرید (فرید، ۱۹۶۷) براساس روابط سیاسی (جامعه مساوات‌گرا، جامعه رتبه‌ای و جامعه طبقاتی) و تقسیم‌بندی سه بخشی جانسون^۱ و ارل^۲ (۲۰۰۰) براساس تنوع محیطی، فرهنگی و اجتماعی است (گروه در سطح خانواده، گروه محلی و واحد سیاسی منطقه‌ای) که در آن توجهی به زمان یا جهت تغییر نمی‌شود.

همان‌گونه که آمد پژوهشگران گوناگون متناسب با رویکرد خود برای بررسی سطح پیچیدگی جوامع تقسیم‌بندی‌های گوناگونی ارائه داده‌اند، اما آیا استفاده از این تقسیم‌بندی‌ها گاهی مانعی برای مشاهده واقعیات نیست؟ فرگوسن^۳ معتقد است که: «پژوهشگران بسیاری زندانی انواع فرضیه‌هایی هستند که در ذهن دارند. از نظر خیلی‌ها جامعه یا حکومت است یا خان‌سالار و آنها هرگز نباید با هم ترکیب شوند. با وجود این، تنوع بسیاری در این تقسیم‌بندیها وجود دارد» (فرگوسن، ۱۹۹۱: ۱۶۸). پرداختن به این تقسیم‌بندی‌ها و فرضیات نباید ما را از دیدن آنچه تاکنون دیده نشده بازدارد.

۳. موقعیت جغرافیایی شهر سوخته

محوطه شهر سوخته در شرق ایران، در ۵۶ کیلومتری جنوب زابل و در استان سیستان و بلوچستان قرار دارد. بقایای شهر سوخته (تصویر ۱) در مساحتی حدود ۱۵۱ هکتار (این محوطه در دوره III به بیشترین وسعت خود یعنی ۸۰ هکتار می‌رسد)، فقط با تعداد اندکی از شهرهای هم‌زمان خودش قابل مقایسه است. شهرهایی چون اوروک و کیش در میانرودان، ملیان و شوش در جنوب و جنوب غربی ایران و موهنجودارو در کرانه رودخانه سند بزرگترین شهرهای هزاره سوم پ.م. محسوب میشوند، اما وسعت‌شان از شهر سوخته کمتر است. بیشترین ارتفاع پشته‌های شهر سوخته از سطح زمینهای اطراف ۱۷/۴۰ متر است (توزی^۴، ۱۹۸۳: ۷۴). طول‌ترین محور این تپه‌ها از شمال به جنوب ۲۲۲۰ متر و عریض‌ترین محور آن بالغ بر ۱۰۹۰ متر و شیب اصلی آنها از شرق به غرب است (سیدسجادی ۱۳۸۶: ۱۱).

-
1. Johnson
 2. Earl
 3. Ferguson
 4. Tosi

محوطه شهر سوخته همراه با محوطه مرکزی موندیگاک در شمال قندهار در افغانستان و دهها محوطه دیگر حوزه فرهنگی هیرمند را تشکیل می‌دهند (تصویر ۱). این حوزه در واقع با منطقه سیستان تاریخی هم‌پوشانی دارد. دلیل نام‌گذاری این حوزه با نام هیرمند، پرآب‌ترین رودخانه این حوزه است که از کوه‌های هندوکش سرچشمه می‌گیرد و مسیری پر پیچ و خم حدود ۱۲۰۰ کیلومتر را طی می‌کند تا سرانجام به دریاچه هامون می‌ریزد (مدر^۱، ۱۹۷۷:۵۵). استقرار شهر سوخته روی سطحی متشکل از شن و ماسه و ریگ آب‌رفتی یعنی تراس رم‌رود در بالاترین نقطه شمال‌غربی دلتای قدیمی قرار گرفته است (ژوکس^۲ و کمپف^۳، ۱۹۸۳). این تراس رودخانه‌ای به وسعت ۱۶۲ هکتار در ۵۹ کیلومتری جنوب زابل قرار دارد. تراس رسی رودخانه هیرمند اجازه شکل‌گیری بستری دائمی را نمی‌دهد. در واقع در دوره‌های خشکسالی، انباشت مستمر نهشته‌ها باعث بالا آمدن بستر رودخانه‌ها می‌شود. به همین دلیل این بستر نمی‌تواند همه حجم آب را در دوره پر آبی و سیلابی در خود حفظ کند. همین باعث می‌شود که رودخانه بسترش را مدام تغییر دهد. به خاطر جهت چرخش زمین این تغییر در نیمکره شمالی در جهت عقربه‌های ساعت است (پدیده کوریولیس^۴). بنابراین هیرمند امروزی نسبت به رودخانه باستانی (رود بیابان) که جهتی شرقی - غربی داشت، ۹۰ درجه تغییر جهت داده است و اکنون جهتی جنوبی - شمالی دارد (توزی، ۱۹۶۹). دلتای کهنی که شهر سوخته در کنار آن واقع شده امروزه چنان پر از شن و ماسه است که تشخیص آن کار آسانی نیست.

۴. پیشینه پژوهش‌های باستان‌شناختی در شهر سوخته

پیش از شناسایی شهر سوخته توسط باستان‌شناسان، مسافرانی که از این منطقه عبور کرده‌اند در نوشته‌هایشان از شهر سوخته نام برده‌اند. کاپیتان اوئن اسمیت در گزارشی درباره سیستان در سال ۱۸۷۲، شهر سوخته را شهر معروف رستم معرفی می‌کند که بهرام با مالیدن نفت به گوشه و کنارش، آن را به آتش کشید (اسمیت ۱۳۷:۱۳۷۸). کلنل بیت هم در اواخر قرن ۱۹ از شهر

1. Meder
2. Jux
3. Kempf
4. Coriolis

سوخته بازدید و در نوشته‌هایش از آن یاد می‌کند (بیت ۹۹:۱۳۶۵). سر اورل استاین^۱ اول بار محوطه را در اوایل قرن بیستم کاوش کرد (استاین، ۱۹۲۸). در ۱۹۶۷ م. گروهی از باستان‌شناسان موسسه پژوهش‌های خاورمیانه ایتالیا^۲ به سرپرستی موریسیو^۳ توزی کاوش و بررسی گسترده‌ای را در شهر سوخته آغاز کردند که فعالیت‌های میدانی‌شان تا سال ۱۹۷۸ م. به مدت ۹ فصل ادامه یافت (توزی، ۱۹۸۳). پس از انقلاب در سال ۱۳۷۶ ش. یک هیأت ایرانی به سرپرستی سیدمنصور سیدسجادی مسئول ادامه کاوش در شهر سوخته شد. هیأت ایرانی کار خود را در ۱۳۷۶ با کاوش در بخش گورستان آغاز کرد و سپس از ۱۳۷۸ کار خود را به بخش بناهای یادمانی در شمال تپه گسترش داد. از سال ۱۳۷۹ نیز به کاوش در بخش شرقی منطقه مسکونی پرداخت. در سال ۱۳۸۱ فعالیت‌های میدانی با کاوش در شمال غربی محوطه و نزدیک بخش صنعتگران ادامه یافت. کاوش‌های هیأت ایرانی تا سال ۱۳۸۸ برای ۱۳ فصل ادامه پیدا کرد و بعد از چهار سال وقفه در ۱۳۹۳ از سر گرفته شد. اگر نه فصل کاوش ایتالیایی‌ها را به این مجموعه بیفزاییم، در شهر سوخته تا سال ۱۳۹۳ در مجموع ۲۲ فصل کاوش انجام شده است.

این محوطه در زمان کاوش‌های هیأت ایتالیایی به سه بخش اصلی تقسیم شد که بعدتر سیدسجادی آن را به پنج قسمت تقسیم کرد (سجادی، ۲۰۰۳: ۲۱). ناحیه مسکونی شرقی در مرتفع‌ترین بخش محوطه؛ (۲) ناحیه وسیع مرکزی که با ارتفاع کمش از بخشهای شرقی، غربی و جنوبی جدا می‌شود؛ (۳) بخش صنعتگران در شمال غربی محوطه؛ (۴) بخش یادمانی، در شرق بخش صنعتگران با چندین پشته مرتفع که حاکی از وجود ساختمانهایی متفاوت است؛ (۵) گورستان که در جنوب غربی محوطه مساحتی حدود ۲۵ هکتار را اشغال کرده است و حدود ۲۵ تا ۴۰ هزار گور در آن قرار دارد (تصویر ۲). برای نظم دادن به کاوش نیز هیأت ایتالیایی این محوطه را به مربع‌های ۲۵۰×۲۵۰ متر و هریک از این مربع‌ها را به مربع‌های ۵۰×۵۰ متر و مربع‌های کوچکتر ۱۰×۱۰ متر تقسیم کرد. کوچک‌ترین مربع با نام سه حرفی لاتین مشخص می‌شود که حرف نخست نام مربع بزرگ ۲۵۰ متری، حرف دوم نام مربع ۵۰ متری و حرف سوم

1. Stein
2. IsMEO
3. Maurizio

نام مربع ۱۰ متری است. هیأت ایرانی نیز از همین تقسیم‌بندی استفاده کرده است (سجادی ۱۳۸۶:۹۱).

۵. گاه‌نگاری شهر سوخته

توالی گاه‌نگاری شهر سوخته براساس تاریخ‌گذاری مطلق و نسبی به چهار دوره اصلی و ۱۱ مرحله تقسیم شده است (توزی، ۱۹۷۳). این دوره‌ها و مراحل عبارت‌اند از: (۱) دوره I (از مرحله ۱۰ تا ۸) از حدود ۳۲۰۰ تا ۲۷۰۰ پ.م؛ (۲) دوره II (از مرحله ۷ تا ۵) از حدود ۲۷۰۰ تا ۲۴۰۰ پ.م؛ (۳) دوره III (از مرحله ۴ تا ۳) از حدود ۲۴۰۰ تا ۲۲۰۰ پ.م؛ (۴) دوره IV (از مرحله ۲ تا صفر) از حدود ۲۲۰۰ تا ۱۸۰۰ پ.م. (جدول ۱). بعدتر لانری^۱ و ویداله^۲ (لانری و ویداله، ۱۹۹۸:۲۲۵) براساس آزمایش‌های جدید کربن ۱۴ و مقایسه‌های سفالی تاریخ‌جدیدی برای هر یک از این دوره‌ها ارائه دادند که برای نمونه تاریخ پایان دوره چهارم را حدود ۲۳۰۰ پ.م. مشخص کرده‌اند، اما همچنان پژوهشگران به تاریخ‌های پیشین بیشتر ارجاع می‌دهند. توزی در جریان کاوش علاوه بر این زیردوره‌ها، که معمولاً زیردوره‌های صدساله بودند، هر ساختمان یا دوره را به چندین زیردوره تقسیم کرده است. برای نمونه ساختمان سوخته که به دوره IV تعلق دارد خود به پنج زیردوره تقسیم می‌شود که متفاوت از زیردوره‌هایی است که به طور کلی برای دوره IV در نظر گرفته‌اند. گسترده‌ترین دوره استقرار در این محوطه را سیدسجادی متعلق به مراحل هشت تا پنجم یعنی سال‌های بین ۲۸۰۰ تا ۲۵۰۰ پ.م. دانسته که وسعت شهر به حدود ۸۰ هکتار می‌رسید (سیدسجادی ۱۳۸۶:۲۰)، درحالی‌که توزی مراحل سوم و چهارم دوره III را گسترده‌ترین زمان استقرار در شهر سوخته (حدود ۸۰ هکتار) بیان کرده است (توزی، ۱۹۷۵:۱۴۲). همان‌گونه که اشاره شد کهن‌ترین آثار شهر سوخته متعلق به ۳۲۰۰ سال پ.م. است که از بخش مسکونی شرقی به دست آمد. شباهت قدیمی‌ترین سفالهای به دست آمده از شهر سوخته با سفال‌های هم‌زمان در جنوب ترکمنستان قابل توجه است. احتمالاً آثار دوره I که حدود ۴ متر ضخامت دارد ۱۵ هکتار از مساحت محوطه را در برمی‌گیرد. دوره دوم شاهد گستردگی و شکوفایی شهر سوخته است که به قول سیدسجادی حدود ۸۰ هکتار از وسعت محوطه را

1. Laneri

2. Vidale

شامل می‌شود. با توجه به ضخامت نهشته‌ها (۳ تا ۴ متر) این گونه به نظر می‌رسد که احتمالاً این دوره طولانی‌تر از باقی دوره‌ها بوده است. پایان دوره سوم را می‌توان آغاز افول شهر سوخته در نظر گرفت که با کاهش وسعت استقرار روبه‌روست. تاریخ‌گذاری دوره چهارم شبیهاتی دارد و دلیل آن کمبود مساحت محدوده کاوش شده در این دوره است. احتمالاً مساحت شهر سوخته در این دوره به ۵ هکتار کاهش یافته است. بقایای قابل انتساب به دوره چهارم در بخش معروف به «کاخ سوخته» و چند گور قرار دارد. هر چند سیدسجادی در آغاز کاوش در این محوطه، پایان آخرین مرحله شهر سوخته را ۲۰۰ سال عقب می‌برد و آن را ۲۰۰۰ پ.م. می‌داند (سیدسجادی ۱۳۷۴: ۴۴۰)، اما بعدتر در آن تجدیدنظر می‌کند و تاریخ‌گذاری دقیق برای آخرین مرحله را نیازمند انجام کاوش‌های بیشتر و لایه نگاری مجدد می‌داند (سیدسجادی ۱۳۸۶: ۳۴۰).

۶. بررسی متغیرها

برای بررسی ساختار سیاسی- اجتماعی جوامع باستان باید در میان یافته‌های باستان‌شناختی به شناسایی و بررسی متغیرهایی پرداخت که تاثیر بیشتری از این ساختار می‌گیرند. معماری (کاخ، معبد، انبار، سازه‌های عمومی، بناهای مسکونی/عمارتها، کارگاههای تولیدی)، تدفین، ابزار و ادوات اداری و پراکندگی محوطه‌ها از این جمله‌اند. در ادامه به بررسی این متغیرها در یافته‌های باستان‌شناختی محوطه شهر سوخته خواهیم پرداخت.

۶-۱- معماری (کاخ، معبد، انبار، سازه‌های عمومی، بناهای مسکونی/عمارت‌ها)

در برخی تعاریفی که از حکومت‌ها ارائه شده به تمرکز قدرت و شکل‌گیری سلسله مراتب عمودی و وجود شخصی مثل فرمانروا در رأس ساختار مثلثی شکل قدرت اشاره شده است (سرویس، ۱۹۷۹: ۲۹۱) که ساختمانی مثل کاخ یکی از شواهد آن در یافته‌های باستان‌شناختی است (فلنری، ۱۹۹۸). بلانتون تفاوت اصلی حکومت با نهادهای اجتماعی- سیاسی پیش از آن را در نحوه اداره جوامع‌شان می‌داند. وی می‌نویسد: «اداره جامعه در ساده‌ترین شکل این‌طور است که هر جامعه یا قلمروی محلی رهبر خودش را دارد و مستقل از جوامع دیگر عمل می‌کند، درحالی‌که در حکومت‌ها تعدادی از رهبران محلی در قلمرویی وسیع، صلاحیت یک یا چند رهبر را در سطوح مختلف می‌پذیرند که منجر به شکل‌گیری مفهوم «شاه» یا مفاهیم دیگری چون

«انجمن مشاوران» یا «شورا» می‌شود. بیشتر حکومت‌های اولیه به دست شاه اداره می‌شدند. اداره جامعه به همت انجمن‌ها و شوراها را می‌توان در دولت‌شهرهای اولیه یونان (حدود ۵۰۰ پ.م.) و حکومت‌های دوره ودایی در حاشیه رود گنگ در هند دید (۵۰۰ پ.م.) (بلانتون، ۲۰۰۵: ۷۷). آنچه بلانتون «انجمن مشاوران» یا «شورا» می‌خواند و آن را به حکومت‌های ثانوی نسبت می‌دهد تاکنون به طور جدی در زمینه حکومت‌های آغازین بررسی نشده و شواهد احتمالی آن در یافته‌های باستان‌شناختی مطرح نشده است. در شهر سوخته با وجود ۲۳ فصل کاوش هنوز هیچ نشانه‌ای از ساختمانی که بتوان آن را کاخ یا محل زندگی حاکم شهر دانست پیدا نشده است، اما ساختمان‌هایی وجود دارند که احتمالاً متأثر از ساختار سیاسی-اجتماعی جامعه بوده‌اند و می‌توان آنها را در قالب ساختمان‌های عمارت‌مانند از ساختمان‌های مسکونی معمولی متمایز کرد. در ادامه توصیف کوتاهی از این ساختمان‌ها که در بخش مسکونی قرار دارند ارائه می‌دهیم.

بخش مسکونی کاوش شده شهر سوخته در شمال شرقی محوطه قرار دارد و خانه‌هایی از دوره‌های I، II و احتمالاً I از آن شناسایی شده‌اند. آثار به دست آمده از بخش مسکونی نشان‌دهنده نوعی نظم و ترتیب در تقسیم‌بندی ساختمان‌ها و واحدهای مسکونی است که خیابان‌ها و کوچه‌ها آنها را از هم جدا می‌کنند. از ۱۹۶۸ تا ۱۹۷۰ سه بنا شامل «خانه پله‌ها» به مساحت ۱۸۸/۸۰ متر مربع با ۱۴ اتاق (تصویر ۳)، «خانه شالوده»^۱ به مساحت ۱۷۰ متر مربع با ۲۰ اتاق در دوره III (تصویر ۴) و ۱۰ اتاق در دوره II و «خانه گودال»^۲ به مساحت ۱۱۰ متر مربع با ۸ اتاق (تصویر ۵) کاوش شدند که هر سه متعلق به دوره II بودند. این سه ساختمان شباهت‌های زیادی دارند. در بین این شباهت‌ها می‌توان به نقشه چهار ضلعی، اندازه آجرها و فنون مشابه ساخت کف‌ها، اجاق‌ها و درها اشاره کرد. خانه پله‌ها و خانه گودال هر دو از ساختمان‌های کوچک گسترش یافته بودند. «خانه گودال» راست گوشه و در راستای شمالی-جنوبی است. نام گودال را به این دلیل به این خانه داده‌اند که گودالی با کاربری نامشخص در آن قرار دارد. سه مرحله زمانی در این خانه تشخیص داده شد. در مرحله اول دو اتاق CC و CCI در ضلع شمالی مجموعه نهایی ساخته شده و سپس اتاق‌های شرقی بعد اتاق‌های جنوبی

-
1. The house of the stairs
 2. The house of the foundation
 3. The house of the pit

به آنها اضافه شده است (توزی، ۱۹۸۳). «خانه شالوده» در جنوب فضای کاوش شده در بخش مسکونی و در مجاورت خانه پله‌ها قرار دارد. نام این واحد ساختمانی به پی آن بازمی‌گردد که حدود ۱۷۰ سانتی‌متر عمق دارد (بیشونه^۱ و همکاران، ۱۹۷۷:۱۱۰). این مجموعه در دوره‌های مختلف بازسازی شده و تغییرات زیادی در آن انجام شده است، چنان که در دوره II، ۱۰ اتاق و در دوره III، ۲۰ اتاق با اندازه‌های کوچک‌تر و نقشه‌ای متفاوت از دوره قبل دارد. اتاق‌های دوره III درب ندارند و برخلاف دیگر ساختمان‌ها روی دیوارها روکشی از گچ وجود ندارد. به همین دلیل کاوشگر محوطه معتقد است آنها پی و شالوده بنا هستند. وجود شواهدی از اجاق، فضای کوچک ذخیره گندم و آسیاب در کنار اندازه اتاق‌ها در دوره II نشان از مسکونی بودن این واحد ساختمانی دارد. مجموعه متعلق به دوره II، به ساختمان‌های مجاور از همین دوره شباهت دارد. توزی معتقد است وجود راه پله در این ساختمان و دیگر ساختمان‌های هم‌زمان به خاطر اهمیت وجود «طبقه دوم» در معماری محلی این دوره از شهر سوخته است (توزی، ۱۹۸۳). «خانه پله‌ها» در مربع‌های XIB، XIC، XIG و XIH قرار دارد. مراحل مختلف استفاده از این ساختمان در دوره‌های II و III براساس پرشدگی‌های عمدی از یکدیگر جدا شده‌اند. این پرشدگی‌ها به دلیل بالا رفتن سطح خیابان و سطح محوطه در مراحل مختلف استقرار بوده است. این ساختمان در دوره II، ۴ مرحله داشته و استفاده از آن در دوره III نیز ادامه یافته است. در مرحله دوم از دوره دوم پلکانی در ضلع شرقی این اتاق ساخته شده که به پشت بام راه داشته است. در مرحله سوم اتاق‌هایی به شرق و جنوب ساختمان اضافه می‌شود که پلکان‌هایی مجزا به پشت بام داشته‌اند؛ در حالی که نقشه چهار اتاق مرحله اول همچنان باقی می‌ماند. در پایان دوره II و مرحله IV همه اتاق‌ها را پر می‌کنند و نقشه ساختمان را تغییر می‌دهند (در دوره III). در شمال و جنوب این ساختمان مجموعه‌ای از اتاق‌ها به دست آمد که ارتباطشان با هم چندان مشخص نیست. کاوشگر محوطه معتقد است که افزایش وسعت ساختمان، کوچک‌تر شدن فضاها و وجود پلکان‌های مجزا برای دسترسی به پشت بام نشان از زندگی خانواده‌هایی در این ساختمان دارد که به صورت حساب‌شده‌ای جدا از هم زندگی می‌کردند.

در بخش XH نیز تعدادی ساختمان کاوش شد (توزی، ۱۹۸۳)، جایی که سطح تپه حدود ۱ متر از سطح خانه پله‌ها و ساختمان‌های مجاور بالاتر بود. شواهد لایه‌نگاری و یافته‌ها نشان می‌دهد که این اتاق‌ها متعلق به دوره III هستند. این مجموعه مساحتی حدود ۲۱۰ متر مربع دارد و ۱۴ اتاق در آن قابل تشخیص است. کاوشگر محوطه معتقد است شباهت‌هایی بین این ساختمان و ساختمان معروف به «خانه خان» در آلتین تپه (تصویر ۶) وجود دارد (توزی، ۱۹۸۳)، اما توضیح نداده که دقیقاً چه چیز این دو ساختمان به هم شبیه است.

در شرق محوطه و در جنوب بخش مسکونی ساختمان بزرگی وجود دارد (تصویر ۷) که توزی آن را ساختمان سوخته نامیده است (توزی، ۱۹۸۳). این ساختمان ۲۵ اتاق دارد که همه آنها چهارگوش هستند. دیوار پیرامونی ساختمان به جز بخش‌هایی از شرق و جنوب آن از بین رفته است؛ بنابراین دستیابی به اندازه اصلی ساختمان ممکن نیست. با این وجود آثار باقی‌مانده از ساختمان سوخته حدود ۵۶۰ متر مربع مساحت دارد. با توجه به اینکه هیچ اثری از ارتباط این ساختمان با سیستم سیاسی، اداری یا مذهبی شهر سوخته به دست نیامده است، این مساحت عجیب به نظر می‌رسد. متأسفانه ساختمان‌های مسکونی هم‌زمان با ساختمان سوخته کاوش نشده‌اند و نمی‌توان این ساختمان را در مقایسه با ساختمان‌های دیگر اثری ویژه دانست. تنها سازه دیگر از این دوره، سکویی خشتی در گورستان است (بیشونه، ۱۹۹۰: ۴۰۲) که امروزه وجود ندارد. کل این ساختمان از خشت ساخته شده که روی آن لایه‌ای از گچ به ضخامت ۴ سانتی‌متر کشیده‌اند و هیچ نشانه‌ای از تزئینات روی آن دیده نمی‌شود. اندازه خشت‌های این ساختمان $50 \times 20 \times 12$ سانتی‌متر است (با مقیاس تقریبی ۵:۲:۱) و اختلاف اندازه آجرها با هم حداکثر ۲ سانتی‌متر است؛ بنابراین آجرهای به کار رفته در این ساختمان بلندتر و کمی بزرگ‌تر از آجرهای دوره ۲ و ۳ هستند که اندازه آنها $40 \times 20 \times 10$ است (با مقیاس ۴:۲:۱). اگر در سال‌های اخیر از محوطه بازدید کرده باشید با تابلوی کاخ سوخته در کنار دیوارهای باقی‌مانده از این ساختمان مواجه می‌شوید؛ اما آنچه مسلم است آن است که کاوش این ساختمان شواهد لازم برای کاخ بودن آن را به دست نمی‌دهد. درباره این ساختمان باید به این نکته توجه داشت که شهر سوخته در دوره سکونت در این ساختمان به استقرار تبدیل شده بود که فقط ۵ هکتار وسعت داشته است، پس احتمالاً نمی‌توان این ساختمان را کاخ این محوطه کوچک دانست.

در سال ۱۳۷۸ هیأت ایرانی در بخشی شروع به کاوش کرد که بعداً بخش یادمانی نامیده شد. در این بخش ساختمانی با مساحت ۲۵۰×۲۵۰ متر کاوش شد که نام آن را ساختمان شماره ۱ گذاشتند (تصویر ۸). در این ساختمان ۶ مرحله ساختمانی مشخص شد (A-F) که از مرحله پایانی دوره I یا آغاز دوره II تا دوره III و شاید آغاز دوره IV مورد استفاده بوده‌اند (سجادی و مرادی، ۲۰۱۴). قدیمی‌ترین مرحله این ساختمان (مرحله A) شواهدی از اتاق‌هایی با ورودی‌های باریک به دست می‌دهد که سیدسجادی به‌خاطر یافته‌هایی چون مهرها و اثر مهرها، این اتاق‌ها را انبار می‌داند. در مرحله B تغییراتی در ساختمان ایجاد شد که آن را به ساختمانی برای زندگی روزمره شبیه‌تر کرد. بخش‌های زیادی از نهشته‌های این مرحله را ساکنان دوره‌های بعد تخریب کرده‌اند. برخی از درهای مرحله قبل در این مرحله با خشت بسته شده‌اند. ساختمانی که از مرحله C ساختش آغاز شده بود تا متروک شدن این بخش مورد استفاده قرار می‌گیرد. سیدسجادی معتقد است ساختمان مراحل D و E احتمالاً شواهدی هستند بر رشد پیچیدگی‌های اجتماعی در دشت سیستان. این ادعا بر اثر مهرهای فراوانی تکیه دارد که از این مرحله‌ها به دست آمدند. در واقع آثار به‌جا مانده از مرحله D، آغاز ساخت و ساز با یک شکل استاندارد در بنای یادمانی است. ساختمان ۱ در این مرحله با ۱۰ اتاق و ۵۰ فضا بزرگ‌تر شد.^۱ مرادی و سیدسجادی معتقدند این ساختمان در مرحله E خانه «خان» یکی از طایفه‌های شهر بوده است (مرادی و سجادی، ۱۳۹۱:۵۵۳). در لایه پایانی (لایه F) شاهد ساخت پلکان ورودی بزرگی همراه با مسدود شدن ورودی اتاق‌ها هستیم. وجود اشیایی چون گلوله‌های گلی احتمالاً شمارشی و بالشتک‌های مثلی شکل گلی، اثر مهر روی گل، مهر، قفل‌های گلی در و پیکرک‌های فراوان در این ساختمان حاکی از کاربری ویژه این ساختمان دارد. سیدسجادی و مرادی معتقدند مساحت زیاد این خانه نسبت به خانه‌های هم‌زمان در دوره‌های II و III حاکی از این است که این ساختمان احتمالاً محل زندگی یک خانواده هسته‌ای بزرگ بوده است (سجادی و مرادی، ۲۰۱۴). باید به این نکته هم توجه کرد که برخلاف ساختمان‌های مسکونی دیگر، در این ساختمان هیچ

۱. سجادی در کاوش بخش‌های مرتبط با معماری از اصطلاحاتی چون ساختمان، خانه، حیاط، اتاق و فضا استفاده می‌کند. منظور از فضا یک واحد ساختمانی با حداقل سه دیوار پیرامونی است که می‌تواند بیش از یک اتاق باشد (سجادی و مرادی، در دست انتشار).

اجاقی به دست نیامده است (مرادی و سیدسجادی، ۱۳۹۲) که این خود در مسکونی بودن ساختمان شبهاتی به وجود می‌آورد، هرچند اجاق‌هایی در جنوب و خارج ساختمان در مرحله E شناسایی شده است.

ساختمان شماره ۲۰ در مربع‌های K'NA, K'NB, K'NF و K'MA و در شمال غرب ساختمان شماره ۱ در بخش یادمانی قرار دارد (تصویر ۸). این ساختمان ۱۲ فضا با راستای شمالی- جنوبی دارد. این ساختمان اتاق‌های مرکزی، اتاق‌های پیرامونی، فضاهای باز، اتاق‌ها ذخیره‌سازی و راه‌پله دارد که دیوارهای اتاق‌ها با پوششی سفید رنگ اندود شده‌اند. ورودی این ساختمان در سمت جنوب به اتاق مرکزی شماره ۵ راه دارد. از این اتاق است که می‌توان وارد فضاهای دیگر ساختمان شد و فقط این اتاق به بیرون ساختمان راه دارد. پوشش سفید و قرمز روی دیوارهای این ساختمان و آتش‌دان‌های بزرگ از ساختمان‌های دیگر شهر سوخته به دست نیامده‌اند (سجاد و مرادی، ۲۰۱۴).

توزی در گزارش کاوش سال‌های ۱۹۶۹ و ۱۹۷۰ به صراحت اشاره می‌کند که با وجود کاوش ۴۵۰۰ متر مربع، تا آن سال هیچ نشانه‌ای از معبد به دست نیامده است (توزی، ۱۹۸۳:۷۴). او معتقد است با توجه به اینکه هیچ یافته مرتبط با مذهب از خانه‌های مسکونی به دست نیامد (منظور آثاری چون سکوهای نیایش است) پس احتمالاً مراسم مذهبی در ساختمان‌های ویژه‌ای انجام می‌شده که هنوز کاوش نشده‌اند (توزی، ۱۳۰:۱۹۸۳). این طور به نظر می‌رسد که توزی نمی‌تواند جامعه پیچیده‌ای را تصور کند که بازیگران سیاسی آن برای نیل به اهداف خود بیشتر از منابع عینی قدرت مثل کنترل تولید و تجارت استفاده می‌کنند تا منابع نمادین قدرت مثل مذهب و مراسم آیینی. به همین دلیل است که نبود سکوهای نیایش در خانه‌های مسکونی را دلیلی بر وجود معبدی مرکزی می‌داند که هنوز کشف نشده است. سیدسجادی و مرادی معتقدند ساختمان شماره یک که پیشتر شرح دادیم طی مراحل ۸ تا ۶ استقرار یعنی نیمه اول هزاره سوم احتمالاً ساختمان ویژه‌ای شبیه معبد یا پرستشگاه بوده است که پس از دوره سوم استقرار یا اواسط هزاره سوم کاربری آن کاملاً تغییر یافته و تبدیل به کارگاه‌های کوچک صنعتی و انبارهای کوچک شده است (سجادی و مرادی، ۲۰۱۴)، اما برای معبد دانستن این ساختمان دلیل موثقی ارائه نمی‌کنند.

درباره انبار در شهر سوخته که شاهدهی بر وجود مازاد محصول، کنترل تولید و ساختار اداری پیچیده است توزی در گزارش کاوش سالهای ۱۹۶۹ و ۱۹۷۰ بار دیگر به صراحت اشاره می‌کند که تا کنون با وجود کاوش ۴۵۰۰ مترمربع، هیچ نشانه‌ای از انبار دخیره حبوبات به دست نیامده است (توزی، ۱۹۸۳:۷۴). او در تشریح ساختمان سوخته به اتاق‌های کوچکی در جنوب بنا اشاره می‌کند که از اتاق‌های داخلی ساختمان جدا شده‌اند (تصویر ۷). عرض این اتاق‌ها بین ۲/۲۵ تا ۲/۵۰ متر است، اما طول آنها مشخص نیست. بیشونه و همکارانش احتمال می‌دهند که این ساختمان‌ها در دوره IV انبار بوده‌اند (بیشونه و همکاران، ۱۹۷۷:۱۰۸). هرچند توزی هیچ نشانه‌ای از انبارهای بزرگ شهری در شهر سوخته به دست نیاورد، اما بعدتر در کاوش‌های سیدسجادی در لایه A یعنی لایه سطحی بخش معروف به ساختمان یادمانی مجموعه‌ای از اتاق‌های فشرده به دست آمد که کاوشگر محوطه به دلیل وجود ورودی‌های بسیار باریک و پیدا شدن اثر مهر در کنار ورودی‌های این اتاق‌ها معتقد است که این اتاق‌ها برای انبار و کارگاه استفاده می‌شدند (سیدسجادی و مرادی ۱۳۸۶:۳۰۰).

در بررسی معماری نباید سازه‌های مرتبط با بخش تولیدی و صنعتی جامعه را نادیده گرفت، زیرا از یک طرف نشان از وجود متخصصان تمام وقت دارند و از طرف دیگر به سازوکاری اشاره می‌کنند که مایحتاج اولیه متخصصان تمام وقت را تأمین می‌کردند. یکی از بخش‌های اصلی شهر سوخته بخش صنعتی است که در شمال غربی محوطه قرار دارد (تصویر ۲)، اما متأسفانه اطلاعات زیادی درباره آن منتشر نشده است و دلیل اینکه چرا و بر پایه چه شواهدی این بخش را صنعتی خوانده‌اند برای نگارندگان دقیقاً مشخص نیست. در شرق ساختمان شماره یک فضایی با تکه‌های پارچه و طناب از الیاف گیاهی و حیوانی و ابزار بافندگی مثل قلاب چوبی کشف شد که این فضا را کارگاه تولید منسوجات معرفی کرده‌اند. در ۵۰ متری غرب ساختمان شماره یک، برجستگی به ارتفاع ۱۳۰ سانتی‌متر و پهنای ۴ متر دیده می‌شود که براساس یافته‌های سطحی احتمالاً کوره‌ای با کارگاه سفالگری بوده است (سجادی و مرادی، ۲۰۱۴). با وجود این سیدسجادی در جای دیگر بیان می‌کند که احتمالاً بخش اعظم تولیدات سفالی شهر سوخته در کارگاه‌های روستاهای اقماری اطراف شهر سوخته نظیر تپه‌های رود بیابان تولید می‌شدند (سیدسجادی، ۱۳۸۶:۲۳). با توجه به یافته‌ها در منابع گوناگون از شهر سوخته به عنوان مرکزی

برای تراش سنگ‌های قیمتی یاد شده است (توزی، ۱۹۷۴ ای، ۱۹۷۴ بی؛ بولگار^۱). تعداد زیاد مهرهای سنگی به دست آمده از این محوطه دلیلی بر این ادعاست. برای نمونه از ۳۶ گور، ۴۲۶ مهره تزئینی به دست آمد (سجادی، ۲۰۰۳) که به استثنای لاجورد و فیروزه، ماده خام بقیه مهرها در کوهستان‌های منطقه وجود دارد. آزمایش‌ها نشان می‌دهد که لاجورد را از کوه‌های پامیر، ساری سنگ از بدخشان افغانستان و تپه‌های چغایی^۲ در پاکستان آورده‌اند (دلما^۳ و کاسانووا^۴، ۱۹۹۰:۵۰۲)، در حالی که نزدیک‌ترین معادن فیروزه به شهر سوخته در اطراف نیشابور و منطقه قزل قوم قرار دارد (توزی، ۱۹۷۴ بی: ۱۴۸ افاف).

۶-۲- تدفین

در شهر سوخته مرده‌ها را در گورستانی به خاک می‌سپردند که خارج از محدوده شهر قرار داشت (تصویر ۲). این گورستان در جنوب غربی محوطه روی زمین آبرفتی یکپارچه‌ای قرار دارد. هیأت ایتالیایی مساحتی حدود ۳۰۰۰ متر مربع و ۲۲۰ گور را کاوش کرد و با در نظر گرفتن ۱۲ متر مربع برای هر گور و با توجه به وسعت گورستان، تعداد گورها را ۱۸۰۰۰ عدد تخمین زد. کاوش‌ها و بررسی‌های بعدی به دست هیأت ایرانی، با توجه به تراکم گورها در بخش مرکزی، احتمال وجود ۳۵ تا ۴۰ هزار گور را در این گورستان مطرح کرده‌اند (سیدسجادی، ۱۳۸۶:۹۱). تا سال ۱۳۸۸ در این گورستان ده نوع گور متفاوت شناسایی شد که تنوعی قابل توجه است (تصویر ۹) (سیدسجادی، ۱۳۸۶:۹۱، گفت‌وگوی شخصی با سیدسجادی، ۱۳۹۳).

یکی دیگر از شواهدی که در کنار ساختمانی مثل کاخ، حضور شخصی چون فرمانروا یا شاه را در راس ساختار سیاسی- اداری جامعه مطرح می‌کند، تدفین‌های اشرافی است. براساس کاوش‌های شهر سوخته، تاکنون شواهدی از آن به دست نیامده است (پیپرنو^۵ و سالووداری^۶،

-
1. Bulgare
 2. Chagai hills
 3. Delmas
 4. Casanova
 5. Piperno
 6. Salvodari

۱۹۸۳). با این حال باید به این نکته توجه داشت که تدفین‌های اشرافی به تنهایی نمی‌توانند شاهد محکمی بر وجود یا نبود خانواده سلطنتی باشند و باید این متغیر را در کنار متغیرهای دیگر مورد بررسی قرار داد. یکی از انواع گورهایی که نسبت به انواع دیگر گور در شهر سوخته گورآوندهای بیشتر و ارزشمندتری دارند و انرژی بیشتری صرف آماده‌سازی گودال تدفین‌شان شده است، گورهای سردابه‌ای است که احتمالاً صاحبان آنها افراد متمایز شهر سوخته بوده‌اند؛ هرچند این تفاوت تا آن حد نیست که آنها را گورهای شاهی معرفی کنیم. تعداد اشیای این گورها بین ۲۰ تا ۱۲۰ عدد در نوسان است، در حالی که در انواع دیگر گورها بین صفر تا ۲۰ عدد شی وجود دارد.

۶-۳- ابزار و ادوات سیستم اداری

بسیاری از پژوهشگران نگارش را که در مراحل آغازین شکل‌گیری آن فقط برای ثبت و ضبط و در امور اداری به کار گرفته می‌شد، از ویژگی‌های حکومت‌های آغازین می‌دانند (شیلد^۱، ۱۹۵۰). یک گل نبشته آغاز عیلامی از دوره I (۳۲۰۰ پ.م.) شهر سوخته از بخش مسکونی شهر به دست آمده است (تصویر ۱۰). پیرو مریجی^۲ این گل نبشته را بررسی کرده و معتقد است علائم روی آن از چپ به راست نوشته شده‌اند و لوح را پیش از کندن این علائم مهر کرده‌اند. اثر محو شده مهر استوانه‌ای هنوز روی لوح دیده می‌شود. ترجمه‌ای که او از گل نبشته ارائه داده شامل نام کالا یا شخص و پنج علامت به نشانه عدد پنج است (مریجی، ۱۹۷۷). این گل نبشته تنها نشانه وجود نگارش در شهر سوخته است که تا به حال به دست می‌شود (تصویر ۱۰). البته باید توجه داشت که محدوده کاوش شده از دوره I کم وسعت است و در صورت گسترش کاوش نهشته‌های این دوره احتمال پیدا شدن گل نبشته‌های دیگر نیز وجود دارد.

در شهر سوخته از هر دو بافت مسکونی و گورستان تعداد زیادی مهر به دست می‌شود (سجادی، ۱۳۸۶؛ سیدسجادی، ۱۳۸۸؛ امیت^۳، ۱۹۸۳؛ توزی، ۱۹۸۳). تعداد زیادی هم اثر مهر از بافت مسکونی گزارش شده است. مهرهای شهر سوخته را می‌توان به مهرهای مسطح و استوانه‌ای

1. Childe
2. Meriggi
3. Amiet

تقسیم‌بندی کرد (تصویر ۱۱) که از سنگ صابون، کلسیت، لاجورد، استخوان، مرمر، صدف، سفال و فلز ساخته شده‌اند. مهرهای استوانه‌ای شهر سوخته عمر کوتاهی دارند. فقط در دوره I و احتمالاً آغاز دوره II از مهر استوانه‌ای استفاده شده است که شاید نشان از ارتباط با غرب باشد، یعنی جایی که مرکز استفاده از این مهرها بوده است. در دوره‌های بعد مهرهای مسطح مشبک جای مهرهای استوانه‌ای را می‌گیرد. نقوش مهرهای شهر سوخته بیشتر هندسی است، اما نمونه‌های انگشت‌شماری از نقوش حیوانی (گاو کوهان‌دار و ماهی) و انسانی هم در این محوطه کشف شده است. ساخت مهرهایی با اشکال مختلف و روند مهر و موم حاکی از وجود افراد و نهادهایی است که بر جریان کالاها نظارت داشتند. اثر مهرهای به‌جای مانده از سیستم اداری شهر سوخته نشان می‌دهد که از مهرها برای مهر و موم کردن ظروف و قفل‌های گلی درب اتاق‌ها استفاده می‌شده است (فریولی^۱ و همکاران، ۱۹۷۹؛ فیاندرا^۲، ۱۹۸۱؛ توزی، ۱۹۸۴). از قفل‌های گلی مهور برای حفاظت از اتاق‌ها و محتویات آن‌ها و جلوگیری از ورود افراد غیرمجاز استفاده می‌شد. قفل‌های گلی درب را می‌توان به منزله کهن‌ترین شواهد محسوس و عینی گذار تحولی از جامعه قبیله‌ای به جامعه شهری در نظر گرفت (علیزاده، ۱۳۸۳: ۳۸).

۶-۴- الگوی پراکندگی محوطه‌ها

شهر سوخته در حکم محوطه مرکزی حوزه هیرمند، در نخستین دوره استقرار ۱۵ هکتار، در دومین دوره استقرار ۸۰ هکتار، در سومین دوره استقرار ۴۵ هکتار و در آخرین دوره استقرار و پیش از متروک شدن حدود ۵ هکتار وسعت داشته است (سیدسجادی ۱۳۹۰: ۹۹). هیأت ایتالیایی در فصل دوم فعالیتهای میدانی در شهر سوخته بیش از ۴۰ محوطه کوچک در کنار دلتای باستانی، رود بیابان شناسایی کرد و احتمال ارتباط آنها با شهر سوخته را مطرح نمود (توزی، ۱۹۶۹). سیدسجادی همچنین از ۷۳۰ محوطه کوچک ۱ تا ۳ هکتاری در نیمه دوم هزاره سوم پ.م. در اطراف شهر سوخته یاد می‌کند (سجادی، منتشر نشده). هرچند ارتباط شهر سوخته با همه این محوطه‌ها هنوز بررسی نشده است، فقط وجود این محوطه‌های کوچک هم‌زمان با استقرار وسیع شهر سوخته برای تصور یک سیستم اداری-سیاسی پیچیده کافی به نظر می‌رسد. همان‌گونه که

1. Ferioli
2. Fiandra

پیش‌تر بیان کردیم سیدسجادی معتقد است کارگاه‌های سفالگری شهر سوخته در روستاهای اقماری این شهر قرار داشتند که شناخته‌شده‌ترین آن‌ها در تپه‌های رود بیابان قرار دارد (سیدسجادی، ۱۳۸۶: ۲۳) که مربوط به دوره دوم تا چهارم استقرار در شهر سوخته‌اند (بیشونه، ۱۹۹۰: ۳۹۲). محوطه «تپه دشت» در سه کیلومتری جنوب غرب شهر سوخته و ۶۹ کیلومتری جنوب زابل یکی دیگر از محوطه‌های اطراف شهر سوخته است که استقرار در آن هم‌زمان با دوره III شهر سوخته، یعنی نیمه دوم هزاره سوم پ.م. بوده است. این محوطه با توجه به یافته‌های سطحی و حاصل از گمانه زنی، به عنوان یکی دیگر از مراکز اقماری تولیدی شهر سوخته معرفی شده است که صنعت‌گرانش در شهر سوخته زندگی و در این محوطه کار می‌کردند (مرتضوی و همکاران، ۲۰۱۱).

۷. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در بخش دوم این مقاله درباره ساختار سیاسی- اجتماعی جوامع پیچیده و حکومت‌های آغازین و تفکیک آنها از جوامع ساده‌تر پیشین و پیچیده‌تر پسین بحث کردیم. در دیگر بخش‌ها نیز با توصیف محوطه شهر سوخته سعی کردیم در یافته‌های باستان‌شناختی به شواهدی توجه کنیم که بیش از باقی شواهد از ساختار سیاسی- اجتماعی جامعه شهر سوخته تاثیر پذیرفته‌اند تا با این روش محتمل‌ترین شکل ساختار سیاسی- اجتماعی را برای جامعه شهر سوخته شناسایی کنیم و توضیح دهیم.

هر سیستم اجتماعی- سیاسی وظایف اقتصادی خاص خود را دارد. این وظایف اقتصادی بخشی از نهاد اقتصادی جامعه را شکل می‌دهند که برای مشروعیت بخشیدن و اداره اجزایش، به نوعی ایدئولوژی سیاسی نیازمند است. نهادهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی آن‌قدر به هم وابسته‌اند که بررسی یکی بدون در نظر گرفتن دیگری غیرممکن به نظر می‌رسد. سیاست امری ذاتی در شکل‌گیری همه فعالیت‌های اجتماعی از جمله فعالیت‌های خانگی، فعالیت‌های محل کار، تجمع‌های گروهی و اداره حکومت است. کار واحدهای سیاسی در واقع کنترل بخش‌های اجتماعی و اقتصادی است. واحدهای سیاسی برای نیل به اهداف خود، به منابع قدرت نیاز دارند که می‌تواند عینی یا نمادین باشد. ثروت و کنترل تولید جز منابع عینی و مذهب و مراسم آیینی جز منابع نمادین به حساب می‌آیند (بلانتون و همکاران، ۱۹۹۶). به وسیله همین منابع قدرت

است که کنشگران سیاسی می‌توانند ساختار سیاسی - اجتماعی جامعه را آن‌گونه که می‌خواهند اداره کنند.

کنشگران سیاسی از استراتژی‌های متفاوتی برای دستیابی به جایگاه مورد نظرشان در رسیدن به قدرت، ثروت و کنترل منابع استفاده می‌کنند. بلانتون از دو استراتژی مبتنی بر محدودیت^۱ و همکاری^۲ نام می‌برد که هر چند می‌توانند همزیستی داشته باشند، اما گاهی یکی بر دیگری برتری می‌یابد و ساختار سیاسی - اجتماعی جامعه را تغییر می‌دهد (بلانتون و همکاران، ۱۹۹۶:۲). در استراتژی محدودیت، انحصار قدرت در دست فرد یا گروه ویژه‌ای است، در حالی که در استراتژی همکاری، قدرت بین گروه‌های مختلف و بخش‌های جامعه پخش می‌شود و مانع از شکل‌گیری قدرت متمرکز می‌شود. اما باید توجه داشت که به کارگیری استراتژی همکاری و عدم تمرکز قدرت، لزوماً باعث شکل‌گیری جامعه‌ای بدون سلسله مراتب عمودی و یا کاملاً مساوات‌گرا نمی‌شود، بلکه به شکل‌گیری محدودیت‌هایی در مسیر انحصار منابع قدرت می‌انجامد.

در نوشته‌های باستان‌شناختی درباره جوامع پیچیده به ندرت به استفاده از استراتژی همکاری بر می‌خوریم و عموماً این‌گونه فرض می‌شود که قدرت تمرکزگرا ویژگی ثابت حکومت‌های باستانی است. این فرض جز معدود فرض‌هایی است که رویکردهای مختلف در باستان‌شناسی در توجه به آن مشترکند. به ندرت به حکومت‌هایی مانند واحدهای سیاسی یونان دوره کلاسیک که استراتژی همکاری در آنها پررنگ است در پژوهشهای مرتبط با تطور سیاسی - اجتماعی جوامع پیچیده آغازین توجه شده است (بلانتون و همکاران، ۱۹۹۶:۲).

از طرف دیگر ساختار سیاسی - اجتماعی هر جامعه‌ای سلسله مراتب دارد. مشکل اینجا است که ذهن ما در شناخت یک جامعه پیچیده بیشتر تمایل به شناخت و ساخت سلسله مراتب عمودی دارد تا سلسله مراتب افقی که بیشتر با تقسیم کار مرتبط است. اگر تقسیم کار در یک جامعه پیش از شکل‌گیری مرکز قدرت (خانواده سلطنتی) گسترش یابد، می‌تواند با ادغام منابع مختلف قدرت گسترش بیشتری پیدا کند؛ یعنی ساختار سیاسی اجتماعی چنین جامعه‌ای می‌تواند بدون نیاز یا با حداقل نیاز به سلسله مراتب عمودی فقط با گسترش سلسله مراتب افقی به حیات

1. Exclusionary

2. Corporation

خود ادامه دهد. اگر این ساختار مساوات‌گرا و همکاری‌جو^۱ بتواند ایدئولوژی مناسب خودش را گسترش دهد آن وقت است که فضای اجتماعی اندکی برای رشد پادشاهی باقی می‌ماند (مایسلز^۲، ۲۰۱۰: ۸۰). اصطلاح سلسله مراتب افقی را حدود نیم قرن پیش وارن مک‌کال^۳ که متخصص حوزه عصب‌شناسی و سایبرنتیک بود به کار گرفت (مک‌کال، ۱۹۴۵). او نشان داد که ذهن انسان با همه پیچیدگی‌ها و نظم‌ها که دارد دارای سلسله مراتب عمودی نیست. با وجود این بعد از او به ندرت مفهوم سلسله مراتب افقی را پژوهشگران حوزه‌های متفاوت استفاده کردند. این در حالی است که برخی ادعا می‌کنند بررسی سلسله مراتب افقی برای بررسی هر سیستم پویایی ضروری است (گلدامر^۴، ۲۰۱۲). در حوزه علوم اجتماعی، باستان‌شناسان ناخشنود از تقسیم‌بندی چهار مرحله‌ای سرویس (گروه، قبیله، خان‌سالاری و حکومت) به بررسی مجدد معرفت‌شناختی سلسله مراتب عمودی، شناسایی سلسله مراتب افقی و ارتباط بین آن‌ها پرداختند. برای بررسی ساختار سیاسی- اجتماعی جوامع باید به این نکته توجه داشت که به کارگیری مدل‌های تطوری باعث نادیده گرفتن تنوع و شواهدی است که با مدل‌های تطوری هم‌خوانی ندارند (کراملی^۵، ۱۹۹۵: ۴). رابطه قدرت پیچیده‌ترین و مهم‌ترین جنبه اداره جوامع انسانی است. اصطلاح سلسله مراتب افقی در یک ساختار سیاسی پیچیده و رابطه قدرت، به عناصری اشاره می‌کند که هر چند نظم مشخصی دارند، اما در رابطه عمودی با یکدیگر قرار نمی‌گیرند و نسبت به یکدیگر رتبه‌بندی نمی‌شوند (کراملی، ۱۹۹۵: ۴). بررسی جامعه شهر سوخته در فصول پیشین نشان می‌دهد که ساختار سیاسی- اجتماعی آن بیشتر متمایل بر نظام سلسله مراتب افقی است تا سلسله مراتب عمودی و استراتژی کنشگران سیاسی در این جامعه بیشتر بر همکاری تکیه دارد تا بر تمرکز قدرت.

درباره ساختار سیاسی- اجتماعی و رابطه قدرت در جامعه پیچیده شهر سوخته تاکنون مطالب زیادی منتشر نشده است (توزی، ۱۹۸۴). براساس شواهدی که ارائه کردیم به نظر می‌رسد، به ویژه در دوره‌های دوم و سوم که اطلاعات بیشتری از آنها در دست است، با جامعه‌ای روبه‌رو

-
1. Corporatist-egalitarianism
 2. Maisels
 3. Mc Culloch
 4. Goldammer
 5. Crumley

هستیم که سلسله مراتب عمودی قدرت در آن کمرنگ و تمرکز بالای قدرت وجود ندارد، زیرا تاکنون هیچ بنایی در شهر سوخته کاوش نشده که بتوان آن را محل زندگی فرمانروای شهر سوخته دانست. این در حالی است که در بررسی گورها نیز هر چند گورهای سردابه‌ای از نظر ساختار گور و تعداد و ارزش گورآوندها با گورهای دیگر متفاوتند و می‌توان فرض کرد که به افراد متمول جامعه تعلق داشته‌اند، اما این تفاوت تا آن حد نیست که نشان از تمرکز قدرت و ثروت در دست صاحبان این گورها داشته باشد. گورهای سردابه‌ای و تفاوت آنها با گورهای دیگر ذهن را به سوی وجود افراد یا گروه‌هایی در جامعه سوق می‌دهد که قدرت و ثروت مرکزی بین آنها تقسیم شده است. این فرض را شواهد معماری نیز همراهی می‌کند؛ یعنی همان‌گونه که اشاره شد هر چند تاکنون ساختمانی با کاربری کاخ در هیچ کدام از دوره‌های شهر سوخته گزارش نشده است، اما وجود ساختمان‌هایی مثل «خانه پله‌ها» با مساحت ۱۸۸ متر مربع، «خانه شالوده» با مساحت ۱۷۰ متر مربع و «خانه گودال» با مساحت ۱۱۰ متر مربع که در زمان استفاده از آنها در دوره‌های دوم و سوم مدام بر وسعت آنها افزوده شده است و در قالب مجموعه‌های ساختمانی مستقل با بیش از ۱۰ اتاق از اتاقهای پراکنده اطرافشان جدا شده‌اند، احتمال وجود خانواده یا گروه‌هایی با موقعیت اجتماعی- اقتصادی مشابه را مطرح می‌کند. از طرف دیگر، مجموعه‌ای مثل ساختمان شماره یک با شش مرحله ساختمانی از دوره I تا III که شرایط لازم برای مسکونی بودن را ندارد، با یافته‌های فراوانی چون مهرها، اثرمهرها، اشیای شمارشی و پیکرها در مراحل D و E و فضاهای موسوم به انبار، می‌تواند مرکزی برای اداره امور جامعه شهر سوخته توسط گروه‌ها یا افرادی با قدرت مشابه باشد. از طرف دیگر مهرها و اثرمهرهای فراوان، اشیای شمارشی و قفل‌های گلی درب، نشان از وجود سیستمی اداری فرای نظام مبادلاتی خویشاوندی و رودررو به حساب می‌آید که پیش شرط حکومت‌های اولیه است (والاس^۱، ۱۹۷۱). با توجه به تولیدات فراوان سنگی در شهر سوخته تصور گروهی که بر تجارت سنگ‌های نیمه‌قیمتی، انتقال آنها به شهر سوخته، ساخت اشیاء و صادرات آنها نظارت داشته باشد بعید به نظر نمی‌رسد (توزی، ۱۹۸۴). تولیدات و استفاده فراوان از سنگ‌های نیمه قیمتی نیز که معدن آنها در محل وجود ندارد و حاکی از مبادلات گسترده و تجارت هستند نظام و ساختار

اداری فراتر از حدود قومی و خانوادگی را به ذهن متبادر می‌کند. بر همین اساس به نظر می‌رسد پایه‌های اقتصادی قدرت سیاسی در شهر سوخته بیشتر بر تولید، تهیه و صادرات محصولات خاص مثل ساخت ظروف سفالی و سنگی ویژه، مهره‌های سنگی، پارچه‌های ویژه، اشیای فلزی یا مواد اولیه و کالاهای خارجی و نه استراتژی ایجاد فشار برای افزایش محصولات کشاورزی و گردآوری مازاد محصولات کشاورزی تکیه دارد. این فرضیه را میزان بالای استفاده از مواد خام خارجی در کارگاه‌های تولیدی شهر سوخته، شواهد تجارت با نواحی دوردست، وجود کالاهای شأن‌زا و نبود انبارهای مرکزی ذخیره مازاد محصولات کشاورزی تأیید می‌کنند.

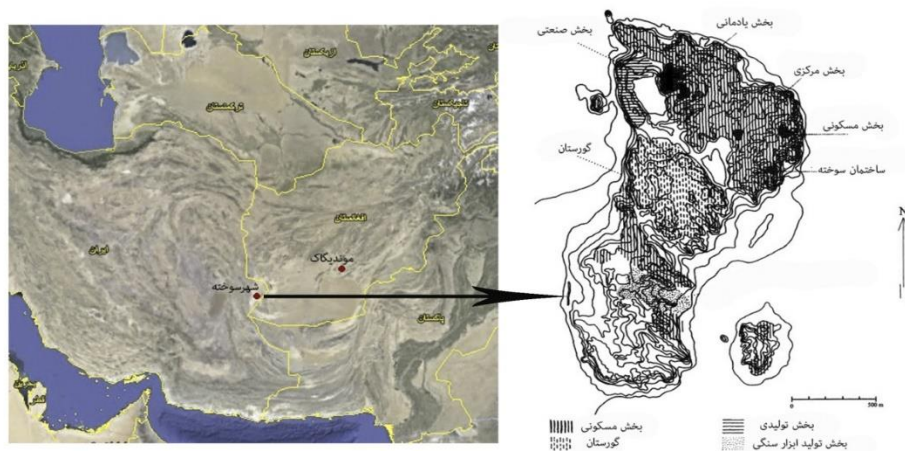
از سوی دیگر به نظر می‌رسد کنشگران سیاسی شهر سوخته برای نیل به اهداف خود بیشتر از منابع عینی قدرت مثل ثروت و کنترل تولید و تجارت استفاده کرده‌اند تا منابع نمادین مثل مذهب و مراسم آیینی، زیرا شواهد سیستم مذهبی در شهر سوخته کمرنگ است. برای مثال در میان یافته‌ها ساختمانی شناسایی نشده است که بشود آن را فضایی برای تمرکز مراسم آیینی و نماد قدرت مذهبی دانست.

الگوی پراکندگی محوطه‌ها در اطراف محوطه شهر سوخته هم از الگوی سلسله مراتب سکونت‌گاهی تبعیت نمی‌کند که پیشتر برای حکومت‌های میان‌رودان تعریف شده و سکونت‌گاه‌ها را نسبت به یکدیگر رتبه بندی می‌کند (رایت^۱، ۱۹۸۱). در اینجا با یک الگوی استقرار «همسنگ» یا «پایین‌رتبه» مواجه هستیم که در آن سلسله مراتب محوطه‌ها ضعیف است؛ یعنی در این سیستم استقرار یک محوطه بزرگ مرکزی با شماری اقمار کوچک وجود دارد. در حالی که در میان‌رودان و خوزستان، الگوی استقرار در هزاره سوم پ.م. بر سلسله مراتب عمودی سکونت‌گاه‌ها تکیه دارد که سلسله مراتب سطوح اداری را نیز به دنبال دارد: شهرهای بزرگ، شهرهای متوسط و روستاهای کشاورزی. این الگوی استقرار ساختار اداری خاص خودش را دارد که می‌توان آن را به شکل یک هرم با سطوح مختلف در یک قلمروی خاص تصور کرد. در مقابل در حوزه هیرمند الگوی استقرار کاملاً متفاوت است و همان گونه که گفتیم بر شکل‌گیری مراکز بزرگ شهری مبتنی است که در اطراف آن‌ها روستاهای کوچک

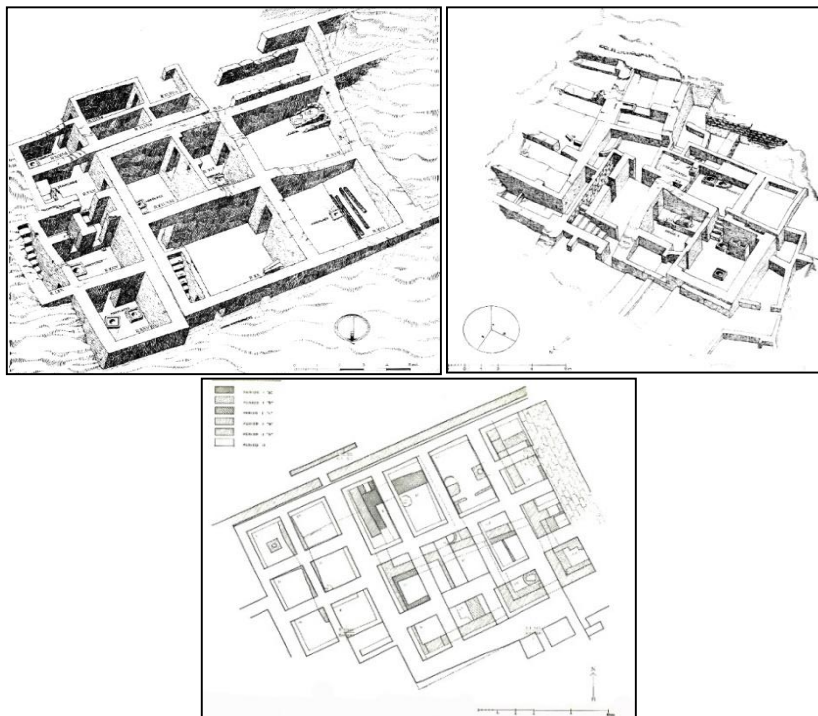
فراوانی پراکنده‌اند؛ بنابراین در این دو منطقه شاهد شکل‌گیری گونه‌های متفاوتی از الگوی استقرار هستیم که از سطوح سیاسی و اداری متفاوتی حکایت می‌کنند (سالواتوری^۱، ۱۹۷۷). براساس همین شواهد است که تصور می‌کنیم هرچند با جامعه‌ای با پیچیدگی‌های اجتماعی، سیاسی و اداری روبه‌رو هستیم که می‌توان شواهد آن را در تفکیک فضاها، شهری، مهر و موم کالاها و اتاق‌ها، تخصص‌گرایی بالا، تجارت با نواحی دوردست و روابط فرهنگی، اداری و اقتصادی با محوطه‌های پیرامونی دید، اما استفاده از استراتژی همکاری به کوشش کنشگران سیاسی به جای استفاده از استراتژی‌های محروم‌سازی یا تمرکز قدرت باعث شده در بررسی این جوامع با همه ویژگی‌های از پیش تعریف شده برای حکومت‌ها روبه‌رو نشویم. به جای آن از یک طرف با شواهدی از وجود گروه‌های متفاوت چه از نظر حوزه قدرت و کنترل و چه از نظر قومی یا اعتقادی روبه‌رو هستیم که به خوبی در تدفین متنوع این شهر منعکس شده‌اند، و از طرف دیگر با ضعف سلسله مراتب عمودی برخورد می‌کنیم که به نظر می‌آید به قوت سلسله مراتب افقی در این جامعه انجامیده است.

جدول ۱. گاهنگاری شهر سوخته

دوره	سال پ م	مرحله	وسعت
IV	۱۸۰۰	۰	۵ هکتار
	۱۹۰۰	۱	
	۲۰۰۰	۲	
III	۲۱۰۰	۳	۸۰ هکتار
	۲۲۰۰	۴	
	۲۳۰۰		
	۲۴۰۰		
II	۲۵۰۰	۵	۴۵ هکتار
	۲۶۰۰	۶	
۲۷۰۰	۷	۴۵ هکتار	
۲۸۰۰			
I	۲۹۰۰	۸	۱۵ هکتار
	۳۰۰۰	۹	
۳۱۰۰	۱۰	۵ هکتار	
۳۲۰۰			



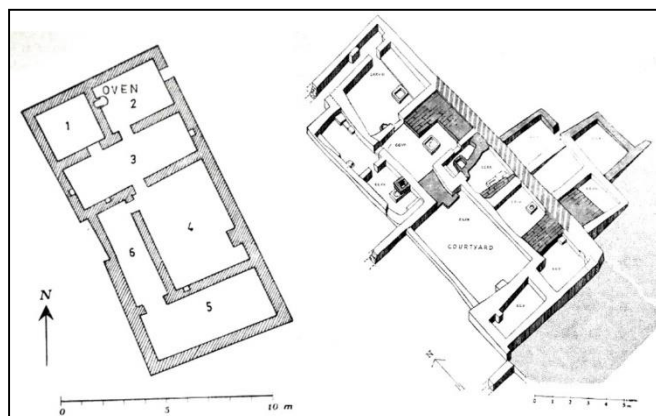
تصویر ۱. (تصویر سمت چپ) موقعیت جغرافیایی شهر سوخته در ایران
تصویر ۲. (تصویر سمت راست) نقشه محوطه شهر سوخته (Sajjadi 2003: fig. 2)



تصویر ۳. (اولین تصویر از سمت راست) نقشه خانه پله‌ها در شهرسوخته (Tosi 1969: fig. 10)

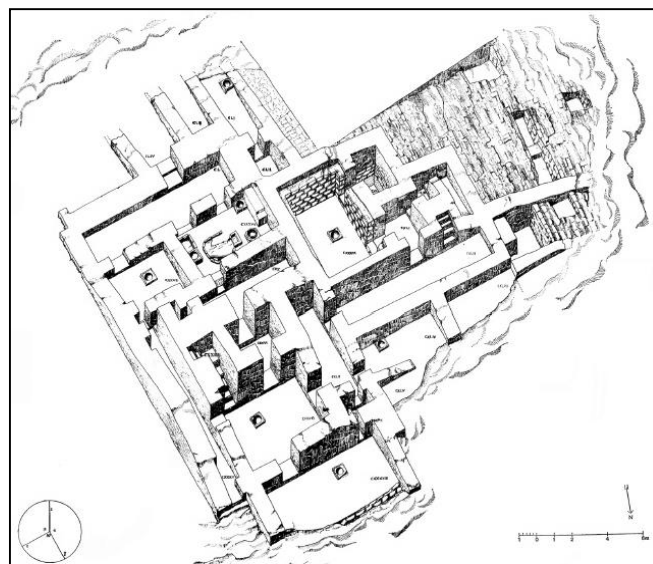
تصویر ۴. (دومین تصویر) نقشه خانه شالوده در شهرسوخته (Tosi 1983: fig. 15)

تصویر ۵. (سومین تصویر) نقشه خانه گودال در شهرسوخته (Tosi 1983)

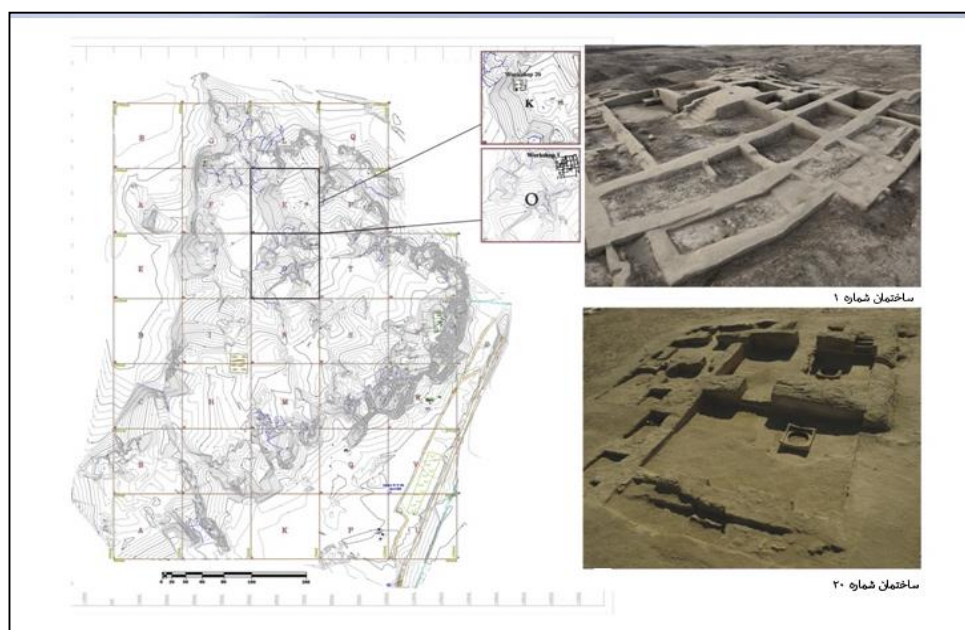


تصویر ۶. سمت راست نقشه ساختمان XH-XC در شهرسوخته (Tosi 1983: fig.17)، سمت چپ نقشه

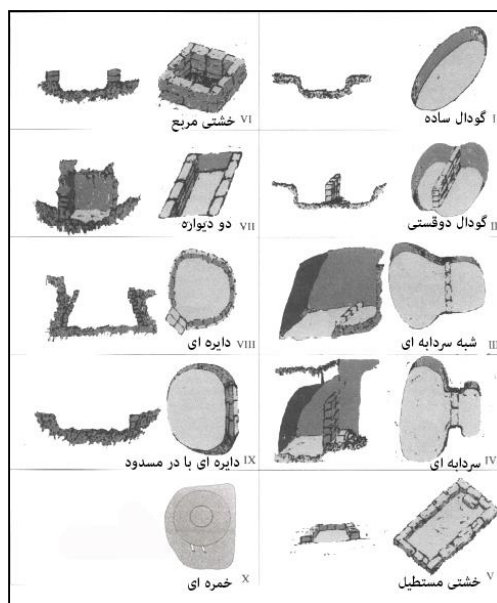
خانه خان در آلتین‌تپه (Masson 1977)



تصویر ۷. نقشه ساختمان سوخته (Biscione 1979: Pl. 2)



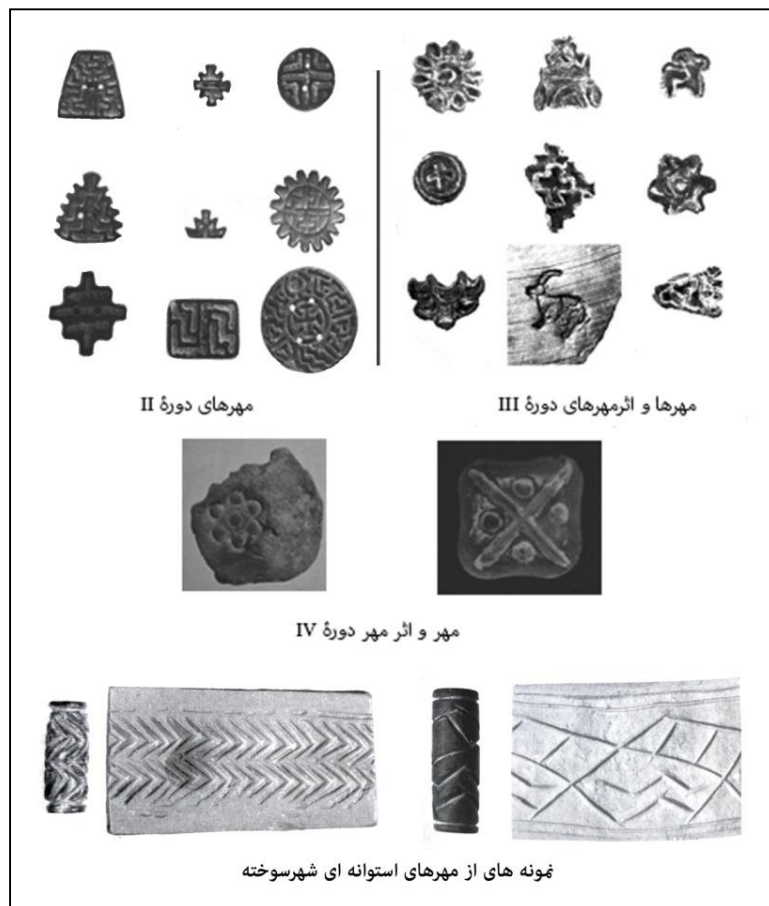
تصویر ۸. نقشه و موقعیت ساختمان‌های شماره ۱ و ۲۰ در بخش یادمانی شهر سوخته (Sajjadi and Moradi 2014, fig.1)



تصویر ۹. انواع تدفین در گورستان شهرسوخته (Sajjadi 2003, fig.4)



تصویر ۱۰. گل نبشته آغاز عیلامی از دوره I شهرسوخته (Amiet and Tosi 1978, fig.16)



تصویر ۱۱. نمونه هایی از مهرها و اثر مهرهای شهر سوخته (Tosi 1983, figs. 73-76)

۸. فهرست منابع

- اسمیت، اوئن، (۱۳۷۸)، ایران شرقی، جغرافیا و شرح وقایع در جغرافیای تاریخی سیستان، ترجمه و تدوین دکتر حسن احمدی، جغرافیای تاریخی سیستان سفر با سفرنامه‌ها، تهران، مؤلف.
- سیدسجادی، سید منصور، (۱۳۷۴)، هشت گفتار: باستانشناسی و تاریخ بلوچستان، تهران، سازمان میراث فرهنگی کشور.
- سیدسجادی، سید منصور، (۱۳۸۶)، گزارش‌های شهر سوخته ۱، کاوش در گورستان ۱۳۷۶-۷۹، پژوهشکده باستان‌شناسی، سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری.
- سیدسجادی، سید منصور، (۱۳۹۰)، نخستین شهرهای فلات ایران، جلد دوم، تهران، انتشارات سمت.
- سیدسجادی، سید منصور، مرادی، حسن، (۱۳۸۶)، مجموعه کاوش در شهر سوخته، منطقه مسکونی: گمانه‌های OYG-OYF-OYK، گزارش‌های باستان‌شناسی ۷، تهران، پژوهشکده باستان‌شناسی.
- علیزاده، عباس، (۱۳۸۸)، منشاء نهادهای حکومتی در پیش از تاریخ فارس، تل باکون، کوچ‌نشینی باستان و تشکیل حکومت‌های اولیه، مترجم: کورش روستایی، مرودشت، بنیاد پژوهشی پارسه-پاسارگاد.
- فلانری، کنت، (۱۳۸۰)، تطور فرهنگی تمدن‌ها، ترجمه کامیار عبدی، مجله انسان‌شناسی، سال اول، شماره دوم، پاییز و زمستان، ص ۵۰-۸۱.
- مرادی، حسین، سیدسجادی، سیدمنصور، (۱۳۹۱)، شواهدی بر رشد تخصص در دوره‌های دوم و سوم استقرار در شهر سوخته بر پایه دستاوردهای کاوش در مربع O، یادورنام: مقاله‌هایی در پاسداشت یاد مسعود آذرنوش، به کوشش حمید فهمی و کریم علیزاده، تهران، ایران‌نگار.
- بیت، چارلز ادوارد، (۱۳۶۵)، خراسان و سیستان، مترجمان قدرت الله روشنی و مهرداد رهبری، تهران، نشر یزدان.

- Biscione, Raffaele, (1979). “The burnt building of period Shahr-I Sokhta IV”, *Iranica, a curca di G. Gnoli, A. Rossi*, Napoli: pp. 291-306.
- Biscione, Raffaele, (1990). “The elusive phase 2 of Shahr-I Sokhta sequence”, in *Serie Orientale Roma*, Gherardo Gnoli (Ed.), Vol. LXVI, Roma, IsMEO: pp. 183-94.
- Biscione, Raffaele, Salvatori, Sandro, & Maurizio Tosi, (1977). “Sahr-I Sokhta: the protohistoric settlement and the chronological sequence”, in *La Citta Bruciata Del Deserto Salato*, Giuseppe Tucci (ed.), Erizzo: pp. 77-113.
- Blanton, Richard, (2005). “The evolution of social complexity and the state”, *Archaeology: The key concepts*, Colin Renfrew and Raul Bahn (Eds.), London and New York, Routledge: pp. 76-9.
- Blanton, Richard, Feinman, G., Kowalewski, S. A. & P. N. Peregrine, (1996). “A dual-processual theory for the evolution of Mesoamerican civilization”, *Current Anthropology*, 37, pp. 1-3.
- Crumley, Carole L., (2005) “Remember how to organize: heterarchy across disciplines”, in *Nonlinear models for archaeology and anthropology: continuing the revolution*, C. S. Beekman, W. W. Baden (Eds.), Ashgate Publishing.
- Demarrais, Elizabeth, (2005). “Organization of societies”, in *Archaeology: The Key concepts*, Colin Renfrew and Paul Bahn (Eds.), Routledge: pp. 143-7.
- Fiandra, E., (1981). “The connection between clay sealings and tablets in administration”, in *South Asian Archaeology 1979*, Herbert Hartel (Ed.), Dietrich Reimer Verlag Berlin, pp. 29-43.
- Ferguson, Y. H., (1991). “Chieftdoms to city-states: the Greek experience”, in *Chieftdom: power, economy, and ideology*, T. Earle (Ed.), School of American research advanced seminar series, Cambridge University Press, pp. 168-92.
- Ferioli, P., Fiandra, E. & S. Tusa (1975). “Stamp seals and functional analysis of their sealings at Shahr-I Sokhta II-III”, in *South Asian archaeology*, J. E. Van Lohuizen-De Leeuw (Ed.), Leiden, E. J. Brill, pp. 7-31.
- Flannery, K. V., (1995). “Prehistoric social evolution”, in *Research frontiers in anthropology*, C. Ember, M. Ember (Eds.), Prentice-Hall, Englewood Cliffs, New Jersey, pp. 1-26.

- Fried, Morton H., (1967). *The evolution of political society*. New York: Random House.
- Goldammer, V. E., (2003). Hetrarchy and hierarchy: Two complementary categories of description, Issued in Vordenker, Last modified (layout) 2012-11-22.
- Goldman, I., (1970). *Ancient Polynesian society*. Chicago: University of Chicago Press.
- Johnson, A. & T. Earl, (2000). *The evolution of human societies*, Stanford: Stanford University Press.
- Jux, Ulrich & Eugen Karl Kempf, (1983). “Regional geology of Sistan (southwest Afghanistan)”, in *Prehistoric Sistan 1*, Maurizio Tosi (Ed.), Rome, IsMEO.
- Laneri, N. & M. Vidale, (1998). “An anatomy for the truncated-conical bowls of Shahr-i-Sokhta, Dec 1988”, *East and West*, 48(3-4), pp. 225-64.
- Maisels, Charles, (2010). *The archaeology of politics and power: where, when, and why the first states formed*. Oxford: Oxbow books.
- McCulloch, Warren S., (1945). “A heterarchy of values determined by the topology of neural nets”, *Bulletin of mathematical biophysics*, 7, pp. 89-93.
- Meriggi, P., (1977). “Iscrizioni proto-elamite dell’Iran orientale”, *Kadomas*, 16, pp. 1-4.
- Meder, Oskar G., (1977). “Sistan: the geographical aspects, Sahr-I Sokhta: The protohistoric settlement and the chronological sequence”, in *La Citta Bruciata Del Deserto Salato*, Giuseppe Tucci (Ed.), Erizzo, pp. 41-64.
- Mortazavi, M., Mishmast, M. & I. Good, (2011). “Bronze Age textiles: a preliminary analysis of fragments discovered at Tepe Dasht, Sistan”, *Iranian journal of archaeological studies*, 1, pp. 61-8.
- Piperno, M., (1977). “La necropolis”, in *La Citta Bruciata Del Deserto Salato*, Giuseppe Tucci (Ed.), Venice, Erizzo, pp. 113-48.
- Piperno, M. & S. Salvatori, (1983). “Recent results and new perspectives from the research at the graveyard of Shahr-i Sukhta, Sistan, Iran”, *Annalidell’istituto universitario orientale*, p. 43.
- Price, B. J., (1978). “Secondary state formation: an explanatory model”, in *Origins of the state: the anthropology of political*

- evolution*, R. Cohen and E. Service (Eds.), Philadelphia, Institute for the study of human issues, pp. 161-86.
- Renfrew, C., Todd, Ian & Ruth Tringham, (1974). “Beyond a subsistence economy: the Evolution of social organization in prehistoric Europe”. *Bulletin of American school of oriental research*, Supplementary studies, 20, pp. 69-95.
 - Sahlins, M., (1963). Poor man, Rich man, Big man, Chief: political types in Polynesia and Melanesia', *Comparative Studies in Society and History* 5 (3): 285-303.
 - Schmandt-Besserat, D., (1992). Before writing: from counting to cuneiform, Vol. 1, Austin.
 - Service, Elman R., (1962). *Primitive social organization*, New York: Random House.
 - Southhall, Aiden, (1991). “The segmentary state: from the imaginary to the material means of production”, in *Early state economies*, H. J. M. Claessen and P. Van de Velde (Eds.), New Brunswick, Transaction Publisher, pp. 69-75.
 - Sajjadi, S. M. S., (2003), “Excavations at Shahr-I Sokhta, first preliminary report on the excavations of the graveyard, 1997-2000”, *IRAN*, XLI, pp. 21-97.
 - Sajjadi, S. M. S., Unpublished, “Some preliminary observation from the new excavation at the Graveyard of Shahr-I Sokhta”.
 - Sajjadi, S. M. S. & H. Moradi, (2014). “Excavation at building Nos. 1 and 20 of Shahr-i-Sokhta”, *International journal of the society of Iranian archaeologists*, 1/1, pp. 77-90.
 - Service, E. R., (1979). *Origins of the state and civilization: the process of cultural evolution*, New York: W. Norton Company.
 - Stein, G., (1994). “Economy, ritual, and power in Ubaid Mesopotamia”, in *Chiefdoms and early states in the Near East: the organizational dynamics of complexity*, G. Stein and M. S. Rothman (Ed.), Prehistory Press, pp. 35-46.
 - Stein, S. A., (1828), *Innermost Asia: detailed report of explorations in central Asia and eastern Iran*, Oxford.
 - Steponaitis, Vincas P., (1978). “Location theory and complex chiefdom: a Mississippian example”, in *Mississippian settlement patterns*, Bruce D. Smith (Ed.), New York: Academic, pp. 417-53.
 - Taylor, Donna, (1975). *Some locational aspect of middle range hierarchical societies*, Ph.D. diss., City University of New York.

- Tosi, Maurizio, (1969). “Excavation at Shahr-I Sokhta: preliminary report on second campaign”, *East and West*, 19 (3-4), pp. 283-386.
- Tosi, Maurizio, (1973). “The cultural sequence of Shahr-I Sokhta”, in *Bulletin of Asia institute of Pahlavi University*, Shiraz.
- Tosi, Maurizio, (1974a). “The Lapis Lazuli trade across the Iranian plateau in the 3rd Millennium B.C.”, in *Gururajamanjarika: Miscellanea in onore di Giuseppe Tucci*, Napoli.
- Tosi, Maurizio, (1974b). “The Problem of Turquoise in protohistoric trade on the Iranian plateau”, in *Memorie dell’Istituto Italiano di Paleontologia Umana*, Vol. II.
- Tosi, Maurizio, (1975). “A topographical and stratigraphical periplus of Shahr-i-Sokhta”, in *Proceeding of the IVth annual symposium on archaeological research in Iran*, pp. 130-58.
- Tosi, Maurizio, (1983). “Excavations at Shahr-I Sokhta 1969-1970”, in *Prehistoric Sistan 1*, Maurizio Tosi (Ed.), Rome, IsMEO, pp. 73-127.
- Tosi, Maurizio, (1984). “The notion of craft specialization and its representation in the archaeological records of early states in the Turanian basin”, in *Marxist perspectives in archaeology*, Matthew Spriggs (Ed.), Cambridge: Cambridge University Press, pp. 22-52.
- Wallace, Anthony, F. C., (1971). “Administrative forms of social organization”, A McCaleb module in anthropology 9, Reading: Addison-Wesley.
- Wright, H., (1981). “Appendix: the southern margins of Sumer, archeological survey of the area of Eridu and Ur”, in *Heartland of cities*, R. McC. Adams (Ed.), University of Chicago Press, pp. 295-345.
- Yoffee, N., (1997). “The obvious and the chimerical: city-states in archaeological perspective”, in *the Archaeology of city-states: cross-cultural approaches*, D. L. Nichols and T. H. Charlton (Eds.), Washington D.C.: Smithsonian Institution Press, pp. 255-63.